



پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق مصاحبه با فاتح شیخ

رئیس هیات شرکت کننده از طرف حزب ما در پلنوم ۱۵



مناطق، جمعا بیش از پنجاه نفر، در نشست شرکت داشتند. نشستی پرشور، پرمحتوا و سرشار از عزم و روشن بینی کمونیستی، چشمه امیدی در تاریکی ویرانه ای به وسعت یک

پلنوم هم از زاویه خود حزب و هم از نظر جایگاه سیاسی و اجتماعی آن برای جامعه داغان شده عراق و کل منطقه، حائز اهمیت فوق العاده ای بود. علاوه بر اکثریت کمیته مرکزی، شماری از کادرها شامل مسئولان کمیته های حزبی

صفحه ۳

کمونیست ۱۶

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲۷ آذر ۱۳۸۳ - ۱۷ دسامبر ۲۰۰۴

www.hekmatist.com

سردبیر: کورش مدرسی



سبک کار و روشهای فعالیت ما در خارج کشور

گفتگو با نسان نودینیان

دبیر تشکیلات خارج کشور

جنبش و حزبی که بخواهد در ایران پیروز شود باید فضای ایرانیان خارج کشور را متوجه خودش کند، از میان آنها بیشترین سازمان توده ای و حزبی را بسازد. در این سمینار بر این نکته فعالیت در خارج کشور پشت جبهه داخل نیست بلکه عرصه مستقلی است، تاکید شد. یکی از وجوه میحث "حزب و جامعه" فعالیت در خارج کشور است و حزب باید در خارج کشور رشد کند، توده ای شود و منبع جذب بیشترین حمایتهای مردم آزادخواه و امکانات بین المللی باشد. اما سبک کار تا کنونی ما متأثر از شیوه های چپ سنتی است. محیط اجتماعی فعالیت این چپ نه افکار عمومی غرب و نه توده های میلیونی ایرانیان مهاجر بلکه عمدتاً طیف محدود سیاسیون و پناهندگان (آن هم نه توده عظیم پناهندگان) ایرانی است که رقم بسیار پائینی

کمونیست: اخیراً سمینار تشکیلات خارج کشور برگزار شد. هدف از برگزاری این سمینار چه بود؟

نسان نودینیان: سمینار خارج کشور در روزهای ۶ و ۷ نوامبر در کلن آلمان با شرکت کادرهای حزب از کشورهای مختلف اروپا برگزار شد. هدف از برگزاری سمینار نقد سبک کار گذشته و تدوین طرح فعالیت حزب حکمتیست در خارج کشور بود که مباحث آن اساساً توسط کورش مدرسی لیدر حزب ارائه شد. حزب ما باید با بسیاری از سنتهای فعالیت خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران گسست کند. تلاش کورش مدرسی در سمینار این بود که این گسست را در عرصه های مختلف بویژه در عرصه سازمانیابی مردم در خارج کشور معنی کند.

واقعیت این است که مردم ایران در دو جغرافیای مختلف زندگی میکنند، در ایران و در خارج کشور.

صفحه ۳



کارتون خوابی و بی خانمانی در جمهوری اسلامی

کننده و باور نکردنی بخود میگیرد. نه آمار روشن و دقیقی در مورد ابعاد مصائب اجتماعی در دسترس است و نه نهاد و ارگانهای رژیم مسئولیتی رسمی در این موارد بر عهده گرفته اند. در مورد وضعیت معتادین به مواد مخدر، شرایط زندانها، کودکان خیابانی، زنان و دختران فراری و... جامعه با ابعاد کامل فاجعه آشنا نمیشود تا در مواردی وضعیت به حال انفجاری میرسد. جهان خارج وقتی با پدیده تن فروشی دختران کم

ایرج فرزاد

مدتی است که تعدادی از دانشجویان در اعتراض به مرگ و میرهای ناشی از بی مسکنی و کارتون خوابی در مقابل ادارات جمهوری اسلامی در شهر تهران انظار را به ابعاد فاجعه دیگری در رژیم اسلامی چرخانده است. هر نشانه و جلوه ای از فقر و فلاکت و شکاف طبقاتی، تحت رژیم اسلامی، با خصوصیات ویژه این رژیم درهم آمیخته میشود و جوانب خیره

سن و سال آشنا میشود که فلان نماینده مجلس اسلامی صریح و وقیح اعلام میکنند که راه مقابله با پدیده تن فروشی همان روشهای ویژه حکومت اسلامی، یعنی اعدام در ملا عام چند تن از قربانیان برای "عبرت" دیگران است. تازه در چنین

صفحه ۴



و ۱۶ آذر رسید ... گفتگوی مصطفی اسدپور با کورش مدرسی درباره ۱۶ آذر؛ یک جمع بندی

صفحه ۲

قابل توجه اعضای کمیته مرکزی و مشاورین
سمینار کمیته مرکزی برگزار میشود

صفحه ۴

انجمن مارکس در ژانویه و فوریه
۲۰۰۵ برگزار میکند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بعد از شور و شوق اولیه، بعد از مرور مکرر خبرها و عکس‌ها و گزارش‌ها؛ جا برای انبوهی سوالات باز میشود. این واقعه مهم بود چرا، چگونه و در کدام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی. در کارزار سیاسی گسترده‌ای که همه جامعه از کارخانه تا محلات و خود دانشگاه در جریان است، این واقعه کجا قرار می‌گیرد و چگونه باید آنرا پی گرفت. با این سوالات برای این گفتگو سراغ کوروش مدرسی را گرفتیم.

مصطفی اسدپور: کوروش مدرسی در آغاز مایلم پیرسم کدام زاویه از خبرها نظر و توجه شما را بیش از هر چیز جلب کرد؟

کوروش مدرسی: برای من مهم بود که شعار آزادی - برابری جای برجسته‌ای را در این اعتراضات به خود اختصاص داد. کاملاً قابل مشاهده بود و همه جای دنیا آنرا دیدند. معلوم شد این شعاری است که بیش از هر چیز اعتراض دانشجویی میتواند خود را با آن تداعی کند. معلوم شد اگر این شعار رادست هر کس بدهند آنرا با کمال میل بلند میکنند. این شعار آن نقشی را ایفا کرد که ما از اول برای آن قائل شدیم، نقش متحد کننده. اگر به خاطر داشته باشید ۱۸ تیر سال ۱۳۸۲ وقتی این شعار را مطرح کردیم گفتیم سرنگونی جمهوری اسلامی زیر یک پرچم واحد. گفتیم که این شعار میتواند متحد کننده باشد و ما باید ابتکار را بدست بگیریم و زیر این شعار مردم را متحد کنیم. صرف نظر از هر چیز ۱۶ آذر امسال برای ما شغف انگیز بود به این خاطر که دیدیم در این راه یک قدم جلو رفته ایم.

مصطفی اسدپور: قبل از اینکه به ارزیابی از ۱۶ آذر بپردازیم می‌خواستم پیرسم که معیارهای شما در این راه کدامند؟

کوروش مدرسی: ۱۶ آذر امسال چند پدیده در کنار

هم اتفاق افتادند. ابعاد تظاهرات خیلی وسیع نبود ولی پدیده‌هائی که اتفاق افتادند مهم بودند. در هر ارزیابی باید جنبه‌های متعددی را دید. یکی شعارها در دانشگاه تهران بود، دوم برخورد با خاتمی و سوم چیزبست که در سنج اتفاق افتاد. در سنج شعارها و تحرکات علاوه بر خود دانشگاه به خیابانها و میان مردم راه یافت. در این روزاتفاقات مهمی افتاد ولی فکر میکنم این سه برجسته ترینشان بودند.

بنظر من ما باید از دو زاویه این روز و هرگونه اتفاقی از این دست را ارزیابی کنیم. یکی از زاویه حزب خودمان و دیگری از زاویه بازتر جنبش عمومی و تناسب قوای سیاسی و اجتماعی. مخلوط کردن این دو اشتباه است. از زاویه حزبی، ما حزبی بودیم که در این رویدادها نقش ایفا کردیم. در این رهگذر، بعد از جدایی در حزب کمونیست کارگری، جامعه ما را بیشتر شناخت. دوم، باید دید در جامعه چه اتفاقی افتاد؟ باید دید که ۱۶ آذر در فضا و تناسب قوای سیاسی عمومی جامعه و از زاویه جنبش سرنگونی چه نقشی داشت؟ و بلاخره در همین متن باید از سر خود اعتراض دانشجویی هم باید به ۱۶ آذر نگاه کرد. محیط دانشجویی با مسایل متعددی روبروست.

در مورد هر کدام از این عرصه‌ها میشود مکت کرد و ارزیابی کرد. ولی نمیتوان جای مولفه‌ها را عوض کرد. اگر ما مثلاً نقطه قدرتی که در این رابطه داشتیم را به جای جامعه بگذاریم، آنوقت از فرط خوشحالی از تکرار شعارهای خود تصویر بزرگتر را نبینیم به دام فرقه‌گرایی افتاده ایم. و در نهایت ارزیابی اشتباهی از وضعیت خواهیم داشت. هر کدام از این زوایای فوق را باید سر جای خود بررسی و نتیجه‌گیری کرد.

مصطفی اسدپور: در تدارک این روز و در کمین حزب در این رابطه در جایی در هنگام بحث در مورد مواجهه با رژیم و تناسب قوا، شما تاکید بیشتری را روی اقدامات و آمادگی و استقبال از این روز داشتید. شما گفتید به نسبت تظاهرات هاروی تدارک انگشت گذاشتید. سوال من اینست آیا شما دانشجویان و ظرفیت هایشان رادست کم نگرفته بودید؟

کوروش مدرسی: نه ابتدا دست کم نگرفته بودم. ببیند وقتی اعتراضی در جریان است شما باید در ابعاد کلان بدانید که هدف چیست؟ برای ما ۱۶ آذر امسال قرار نبود دانشجویان سینه خود را در مقابل گلوله رژیم سپر کنند و یا اینکه به هر قیمتی اعتراضات را به خارج از دانشگاه بکشند. قرار نبود رژیم در این روز سرتگون شود. برعکس از همان روز اول گفتیم که ما تلاشمان را میکنیم که اعتراض هر چه بزرگتری شکل بگیرد. آنچه اتفاق افتاد همان چیزی بود که بدنیاش بودیم و ابتدا کار کوچکی نبود. اما آنچه که ما، مفضلاً و علناً و بارها، در موردش صحبت کردیم این بود که چه در این روز باید، صرف نظر از خود اکسیون ۱۶ آذر دنبال چیزی دیگری هم باشد. گفتیم که ۱۶ آذر یک رویداد، یک محمول است که چه از کانال آن خود را منسجم کند. جامعه معضل رهبری دارد، چه باید به جامعه این رهبری را بدهد. اعتراض دانشجویی انعکاسی از جامعه است و با همین معضل. بعلاوه این جنبش دانشجویی بعد از شکست دو خرداد و یسرون رفتنش از صحنه فعال محتاج رهبری چه بود و هست. اما این چه خود بویژه بعد از اتفاقات درون حزب کمونیست کارگری دچار سردرگمی است. ۱۶ آذر میتوانست راهی را در مقابل این جنبش باز کند. ما گفتیم این روز محملی است که در آن بتوانیم پرچم این اعتراض را تامین

کنیم، شبکه‌ای از رهبران را بسازیم و اعتراض بزرگی را سازمان دهیم. این سه هدفی بود که جلو گذاشته بودیم. گفتیم در این مسیر باید سعی کرد یک شبکه رهبری را جلو جامعه بگذاریم که امروز و در چشم همگان، بعنوان شخصیت‌های شناخته شده و سازمانده و مورد اعتماد قدم به جلو گذاشته باشند. بعلاوه پشت یا همراه این رهبران شبکه دانشجویان کمونیست را داشته باشیم که به اندازه کافی عضله برای بهم بافتن دانشگاهها و سازماندهی اعتراضات بعدی را ایجاد کند. گفتیم اگر در این دو فاکتور جلو برویم، حتی اگر تظاهراتی صورت نگیرد با این حال جنبش سرنگونی و جنبش چهپ و رادیکال جلوتر رفته است و همزمان جمهوری اسلامی در توازن قوای نامساعد تری قرار می‌گیرد. عکس اینهم صادق است، شما میتوانید، به عنوان مثال، تظاهرات راه بیاندازید و بعدش مردم بروند به خانه هایشان و اتفاق مهمی هم روی ندهد.

در نتیجه من چیزی را دست کم نگرفته بودم. نگرانی من این بود که ما بعد از این موفقیت بزرگ، متوجه نباشیم که مصاف‌های خیلی بزرگتر جلوی روی ما قرار دارد. چالشهای بزرگ تری برای تامین رهبری جنبش دانشجویی و کل جامعه در پیش داریم. و باید انتظار رهبری جامعه را از چه داشت نه تنها راه انداختن یک تظاهرات، شرکت در تظاهراتی که کس دیگری سازمان داده و تلاش برای رادیکال کردن آن. این را همیشه میتوان کرد و بلدیم. آنچه که نمیکنیم رهبری جامعه است. برای این پرسیکتیو خود را آماده کنیم. این نگرانی آن موقع بود و هنوز هم هست. سوال این است که چقدر در این مسیر پیش رفته ایم؟

مصطفی اسدپور: به این میرسیم که چرا این واقعه مهم بود. ولی نظر شما در

مورد رسانه‌ها و جریاناتی که در مقابل آن سکوت میکنند، آنرا یک تک رویداد جداگانه و کم اهمیت جلو میدهند چیست؟

کوروش مدرسی: در جامعه بین چهپ و راست کشمکش است. کشمکش هست بر سر اینکه پرچم رهبری سرنگونی جمهوری اسلامی چه کسی بدست میگیرد. هر یک از این دو قطب میخواهد رهبری اعتراض علیه رژیم را بدست بگیرد و سقوط جمهوری اسلامی را با تحقق آلترناتیو خود همراه کند. ما بعنوان نوک تیز حرکت چهپ جامعه داریم سعی میکنیم که شعار آزادی - برابری را بعنوان محملی که جریان چهپ، کمونیست و آزادخواه و برابری طلب با آن میتواند کل جامعه را حول خود پلاریزه کند را به پرچم اصلی اعتراض مبدل کنیم. ما میخواهیم کل مردم، و نه فقط دانشجویان، را حول این شعار به حرکت در بیاوریم و متشکل کنیم. از طرف دیگر راست هم در صدد است که پرچم خود را جلو براند. انواع جریانات سلطنت طلب و جمهوریخواهان "علاقمند به سلطنت" امروز شعار رفراندم و فدرالیسم را جلو گذاشته اند و تلاش میکنند. در نتیجه دور از انتظار نیست که هر کس پرچم خود را بزرگ میکند رسانه‌ها هم از همین قاعده پیروی میکنند.

اما امسال ۱۶ آذر شعار آزادی و برابری را نه نوعی به هویت یا پرچم اصلی اعتراض دانشجویی تبدیل کرد. واقعیت، عکس‌ها و شرح موقوف این روز، باعث میشود اعتراض دانشجویی خود را بیش از هر چیز با این شعار تداعی کند. این یک پیروزی برای کل چهپ، و نه فقط ما، به حساب می‌آید. اما معنی این اتفاق درمتن تناسب قوای عمومی جامعه بحث جداگانه است که میتوانیم به آن بپردازیم.

ادامه دارد

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

بقیه از صفحه ۱

کشور ۲۵ میلیونی. نشست طیفی از رهبران کمونیست، فعالین عرصه های متنوع مبارزه طبقاتی و اجتماعی در محلات و شهرها، سازماندهندگان شوراها و اتحادیه های کارگری و واحدهای سازمان آزادی زن، همگی مصمم به نجات هرچه فوری تر جامعه از سناریوی سیاهی که بر آن تحمیل شده است.

مباحثات پلنوم نشان از فوکوس بجای رهبری حزب بر مسائل گرهی جامعه داشت. مهمترین و اولین مبحث حول راه پایان دادن به اشغال جامعه عراق و اعاده مدنیت به آن بود. پلنوم مفصلاً به طرح پیشنهادی کورش مدرسی در این زمینه پرداخت که ناظر به ایجاد یک سازمان توده ای و بسیج جنبش اجتماعی وسیعی حول آن با هدف برپایی دولتی غیردینی و غیرقومی بود. مکانیسم نیل به این هدف بحرکت در آوردن نیروی مردم برای در دست گرفتن امور و کنترل محلات و

شهرها و مناطق و از این طریق پایان دادن به اشغال و اعاده مدنیت به زندگی و جامعه عنوان شده بود. صحبت های زنده کادرها در این مبحث نشان روشن بینی فعالین دست اندرکار یک حزب مسئول در جهت یافتن راه خروج از جنگل ویرانی و ترور کنونی بود. رفاندم استقلال در کردستان عراق بند مهم دیگری بود که بعنوان یک گرهگاه اساسی تحول سیاسی در آن منطقه به بحث گذاشته شد. حول انتخابات جاری در عراق هم بحث زنده و جالبی صورت گرفت. در بررسی بحران و جدایی در حزب کمونیست کارگری ایران، پلنوم سیاست رهبری حزب را قاطعانه تایید کرد.

احساس و جمع بندی من این بود که پلنوم ۱۵ نقطه عطفی تعیین کننده در مسیر تحول حزب کمونیست کارگری عراق به یک حزب سیاسی کمونیستی مدعی قدرت، بانفوذ و موثر در جامعه است. مسیری که طی آن، حزب از راه تغییر جامعه و

جوابگویی به مسائل متنوع گریبانگیر آن، خود را تغییر میدهد و ساختار و رهبری اش را با ملزومات این تغییر و تحول اساسی منطبق میکند. امروز در عراق و منطقه، حزب کمونیست کارگری عراق بعنوان یک فاکتور سیاسی موثر و بانفوذ مورد بحث است. این را در نشریات و سایتها و اظهار نظر صاحب نظران سیاست عراق و خاورمیانه به وضوح میتوان دید. برگزاری یک نشست مهم کارگری: "کنگره شوراهای کارگری منطقه بصره" دو روز بعد از پایان پلنوم، که تماماً توسط کادرهای حزب سازماندهی و اداره شد، نشان واضح دیگری از نفوذ و جایگاه اجتماعی و طبقاتی حزبمان در عراق است.

کمونیست: نقش شما در مباحثات این پلنوم چه بود؟
فاتح شیخ: در سخنرانی ام در بخش افتتاحیه پلنوم، تلاش کردم تصور خودم از خصلت و کاراکتر نقطه کنونی تحول حزب کمونیست کارگری عراق و مسائل گرهی سیاسی ای که

جامعه عراق و حزب ما با آن روبروست را با رفقای حاضر در نشست در میان بگذارم. همچنین درباره اهمیت موضع اصولی و تاریخی رهبری حزبمان در عراق در قبال بحران اخیر کمونیسم کارگری که منجر به جدایی ما و تشکیل حزب حکمیت شد اظهار نظر کردم و بر باز شدن صفحه جدیدی از اتحاد و همکاری فشرده میان دو حزب در عرصه های سیاست عراق، ایران، منطقه و در عرصه فعالیت بین المللی تاکید گذاشتم. علاوه بر پلنوم، من امکان شرکت در جلسات دفتر سیاسی قبل و بعد پلنوم را هم پیدا کردم. آشنایی به زبان عربی کمک میکرد که در جریان مباحث زنده و جالب این نشستها قرار بگیرم و مستقیماً در آنها شرکت کنم.

کمونیست: لطفاً درباره مصوبات این پلنوم برای خوانندگان کمونیست بگوئید.

فاتح شیخ: پلنوم خطوط بحث رفیق سمیر عادل درباره ایجاد یک سازمان توده ای با هدف پایان دادن

به اشغال عراق و اعاده مدنیت به جامعه و طرح کورش مدرسی در این زمینه را تصویب کرد. خطوط بحث مربوط به ایجاد یک سازمان توده ای برای هدایت جنبش رفاندم استقلال کردستان هم که توسط رفیق امجد غفور ارائه شد به تصویب رسید. در مورد انتخابات، بحث و بیانیه رفیق ربیوار احمد لیدر حزب را پلنوم بعنوان مصوبه خود تایید کرد. در مبحث بحران و جدایی در حزب کمونیست کارگری ایران هم چند قرار در تایید موضع و سیاست رهبری حزب عراق در قبال آن، در قردادانی از کورش مدرسی و قردادانی از ربیوار احمد و دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق و نیز در محکومیت روش مغرب رهبری حزب کمونیست کارگری ایران علیه حزبمان در عراق به تصویب رسید. در خصوص سوخت و ساز و مسائل سازمانی حزب و کنگره سوم حزب نیز قرارهای مهمی تصویب شد.

مصاحبه نانسان نودینیان

را تشکیل میدهد. این سبک کار باید جای خود را به سبک کار حزبی اجتماعی و متحد کننده مردم بدهد. باید عمیقاً از سبک کار تبلیغات مبتنی بر هیاهو و کار سطحی و بی خاصیت گسست کرد. کادرهای حزب باید روشهای متشکل کردن و بسیج کردن مردم را یاد بگیرند. در همین دوره کمپین دفاع از "ژیل و بختیار" با اتکا به چنین روشی توانست در ابعاد وسیعی بر افکار عمومی مردم در غرب و داخل ایران تاثیر بگذارد. این روش مطلوب فعالیت ماست.

کمونیست: در مورد این سبک کار اجتماعی و مباحث سمینار پیشتر توضیح بدهید

انسان نودینیان: حزب در دسترس مردم یک مساله

کلیدی در این سبک کار است. برای تاثیر گذاشتن روی افکار عمومی غرب و مهاجرین ایرانی باید به آنها دسترسی داشت. دسترسی به مردم یک رکن مهم سبک کار ما است. هم جمعیت چند میلیونی ایرانیان مقیم خارج کشور و هم اهالی خود این کشورها. ما هر زمان فعالیت اجتماعی را با این ست انجام داده ایم توانسته ایم افکار عمومی را در غرب و داخل ایران متوجه فعالیت خود بکنیم و از مکانیسم هایی که به امر تحکیم رابطه ما با مردم کمک کند استفاده کرده ایم. نمونه کمپین ژیل و بختیار است. در حال حاضر ما فاقد تلویزیون و رادیو سراسری هستیم اما کادرهای حزب تقریباً هر روز از طریق تلویزیون و رادیو این کمپین را هدایت میکردند، با مردم صحبت کرده و بر افکار عمومی نیز تاثیر گذاشتند. حزب

سیاسی بدون دسترسی وسیع به مردم معنی ندارد، نه بسیج توده ای معنی دارد و نه افکار عمومی را میتوان تغییر داد و نه نیروی قابل توجهی را می توان جابجا کرد. این مباحث را ما دوره گذشته در حزب کمونیست کارگری ایران در کنفرانس و سمینارهای متعدد مورد بحث و ارزیابی قرار داده ایم. اما متأسفانه سلطه سبک کار محدود، سازمانی و فرقه ای و هیاهو بدون متحد کردن مردم در هر دوره ای مانع جدی در این گسست بود. سمینار ما در کلن بر این امر و ابزارهایی که حزب را قابل دسترس کند، تاکید کرد. روزنامه ها، رادیو و تلویزیونهای سراسری و محلی مهمترین ابزار ما هستند. اما هنوز کافی نیستند. اکنون از همه جا به ما پیام میدهند که مطالب کمونیست بسیار جالب و خواندنی است و نیازهای سیاسی را جواب

میدهد. نتیجه ای که یک حزب اجتماعی در دسترس می گیرد این است که تیراژ کمونیست را بالا ببرد. در خارج کشور به مرز ۴۰ تا ۵۰ هزار برساند و کاری بکند که جمعیت وسیعی از ایرانیان به نشریه کمونیست دسترسی داشته باشند.

خانه حزب ابزار حزب حکمیت برای دسترسی به مردم است. خانه های حزب تاکنونی، جوابگو نیستند. خانه های حزب ما باید محلی باشند که مردم بتوانند به آن مراجعه کنند. خانه حزب پاتوق حزب در هر شهری است که در بهترین حالت هر روز یا حداقل هفته ای یک یا دو روز در ساعات معینی برای اعضا و مردم دایر است. خانه های حزب در واقع باید به اسم خانه مردم معرفی شوند. خانه مردم محلی است که مردم روزانه در ارتباط با حزب ما و فعالیت

اجتماعی آن در عرصه های زنان، جوانان، پناهندگان و کودکان و ده ها شکل و انجمن دیگر به آن مراجعه میکنند. خانه ها حزب باید ظرف متحد کردن و متحد نگه داشتن مردم باشند. هم اکنون امکان دایر کردن خانه های مردم در بعضی از کشورها از جمله سوئد را داریم. ایجاد این خانه ها از اولویتهای ماست. جزئیات مربوط به اقداماتی که باید در مورد ایجاد خانه حزب و خانه مردم انجام داد را در سندی که در حال نوشتن آن هستیم اعلام میکنیم.

من امیدوارم سمینار اول خارج کشور با نقد چاره ساز و روشهایی که توسط کورش مدرسی ارائه شد، راه های گسست از سبک کار غیر اجتماعی گذشته و سنت اجتماعی و توده ای فعالیت ما را روشن کند.

به سازمان جوانان کمونیست - حکمیت به پیوندید!

قابل توجه اعضا و مشاورین کمیته مرکزی

سمینار کمیته مرکزی برگزار میشود

سمینار کمیته مرکزی با شرکت اعضا و مشاورین این کمیته در تاریخ ۲۱ و ۲۲ ژانویه ۲۰۰۴ در آلمان برگزار میشود. سمینار دو موضوع را مورد بحث قرار میدهد:

۱- اوضاع سیاسی ایران، مساله سرنگونی جمهوری اسلامی و سیاست حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲- اولویتهای حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

به هر موضوع یک روز کاری (۶ ساعت) وقت اختصاص داده میشود. برای هر موضوع حداکثر به سه سخنران، هر یک، یک ساعت وقت داده میشود و سه ساعت بقیه به بحث آزاد در مورد این سخنرانی ها اختصاص داده خواهد شد.

رفقائی که مایل هستند نوبت سخنرانی بگیرند باید تا تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۰۴، موضوعی که سخنرانی به آن مربوط است، عنوان سخنرانی و رنوس تزهائی که میخواهند مطرح کنند را (حداکثر در یک صفحه A4) به آدرس ای میل KM.swal.javab@gmail.com ارسال کنند. بعد از این تاریخ از میان داوطلبین سخنرانان انتخاب خواهند شد.

از همه اعضای کمیته مرکزی و مشاورین دعوت میکنیم که در این سمینار شرکت کنند. برای گرفتن اطلاعات بیشتر با تلفن های زیر تماس بگیرید:

رحمان حسین زاده: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷ - نسان نودینیان: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

دبیر کمیته مرکزی

کوروش مدرسی

۱۷ دسامبر ۲۰۰۴

انجمن مارکس در ژانویه و فوریه ۲۰۰۵ برگزار میکند.

انجمن مارکس نوژ (اسلو)

کمونیسم کارگری: مصافهای گذشته،

چشم انداز آینده

رحمان حسین زاده

شنبه ۸ ژانویه - ساعت ۱۱ - ۱۶

مکان: Deichmanske bibliotek

Groenerloekka

مسئول انجمن مارکس نوژ: داریوش نیکام

تلفن تماس: ۰۰۴۷۹۲۰۶۲۵۴۱

انجمن مارکس سوئد (گوتنبرگ)

انقلاب اکتبر: مبانی مشترک لنینیسم

و حکمتیسم (مارکسیسم پراتیک)

ایرج فرزاد

شنبه ۱۵ ژانویه - ساعت ۱۱ - ۱۶

مکان: Stigbergled 18 Majorna

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۷۹۵۹

انجمن مارکس سوئد (استکهلم)

کمونیسم کارگری: مصافهای گذشته،

چشم انداز آینده

رحمان حسین زاده

شنبه ۱۵ ژانویه - ساعت ۱۱ - ۱۶

مکان: Nidaros Gatan 12 Husby

مسئول انجمن مارکس سوئد: اسد نودینیان -

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۵۳۵۵۶۷

انجمن مارکس آلمان (کلن)

منصور حکمت و تئوری انقلاب

فاتح شیخ

این سخنرانی در ماه فوریه برگزار میشود. زمان

و مکان به زودی به اطلاع میرسد.

مسئول انجمن مارکس آلمان: نسان نودینیان -

تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

برنامه انجمن مارکس دانمارک و فنلاند نیز

متعاقبا به آگاهی عموم میرسد.

کمونیست را تکثیر کنید!

رسمی و مسئول در مقابل پدیده بی خانمانی و کارتون خوابی فقط روی کاغذ تشکیل شده بودند. اما جامعه نمیتواند منتظر بماند تا رژیم سلامی آنرا به سقوط به دره فلاکت و استیصال سوق دهد انسانیت و انساندوستی اجازه نمیدهد که جامعه به خودکشی و تسلیم در برابر مصائبی که بانی آن رژیم سلامی است تن بدهد. اعتراض علنی دانشجویان به پدیده بی خانمانی و بی مسکنی انعکاس عکس العمل جامعه به جمهوری اسلامی و بروز علنی آن اعتراضی است که شهروندان جامعه ایران برای دفاع از حق حیات، حق معاش و رفاه و زندگی برابر و آزاد و حرمت و شان انسان از خود نشان میدهند. حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست خود را متعلق به این اعتراضات میداند و با تمام توان در گسترش و توسعه این اعتراض و ابراز خشم در مقابل جمهوری اسلامی و تا بزرگ کشیدن این رژیم ضد انسانی و بانی فقر و فلاکت بر جامعه ایران تلاش خواهد کرد.

جامعه در برپائی نهادهای غیر دولتی تجلی میکند، رژیم سلامی و ارگانهای رسمی، آنقدر آنها را از امکانات و کمکهای دولتی محروم میکنند، تا چنین فعالیتهائی کاملا و ناچارا به تعطیل کشیده شوند. کارتون خوابی و پدیده بی مسکنی و بی خانمانی از کل معضلاتی که جمهوری اسلامی برای جامعه ایران فراهم کرده است نیز جدا نیست. جهان خارج و تمام جامعه ایرن وقتی به ابعاد فاجعه پی میبرد که مرگ در سرما و گرسنگی و در نتیجه خیابان خوابی به سطح وحشتناکی میرسد. این وضعیت بود که تعدادی از دانشجویان را در تهران واداشت تا به تحصن و خوابیدن در کاتونها در برابر نهادهای دولتی بعنوان یک حرکت سملیک اعتراض به فاجعه به حرکت درآیند. هنوز که هنوز است آماری از کل پدیده موجود نیست، تناقض در اظهارات رسمی مقامات رژیم آشکار شدند، معلوم شد بودجه های اختصاصی به این کار حیف و میل شده اند و نهادهای

بقیه از صفحه ۱
موردی است که کنجکاو بها در مورد کل پدیده تحریک میشود. آماری وجود ندارد، هیچ نهاد مسئول دولتی موجود نیست، اگر هم از جانب مردم نهادهائی هم برپا شوند آنقدر کارشکنی توسط مقامات رژیم بر سر راه آنان ایجاد میشود که ناچارا به تعطیل کشیده میشوند. در مورد ابعاد به مراتب پنهان و فاجعه بار کودکان خیابانی نیز همین حقیقت صدق میکند. کودک آزاری در جمهوری اسلامی و پدیده کودک فاقد هر نوع حمایت اجتماعی وقتی بر جهان خارج آشکارتر میشود، که فروش کودک به خاطر فقر و فلاکت وجدانها را تکان میدهد. هنوز که هنوز است آماری رسمی از تعداد کودکان بی سرپرست، کودکان کار، کودکان طعمه باندهای جنایتکار در دست نیست. اگر عکس العمل انسان دوستی در تلاش سازمانهای غیر دولتی به این پدیده های شکنجه آور در جمهوری اسلامی با تلاش و کوشش انسانهای شریف آن

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!